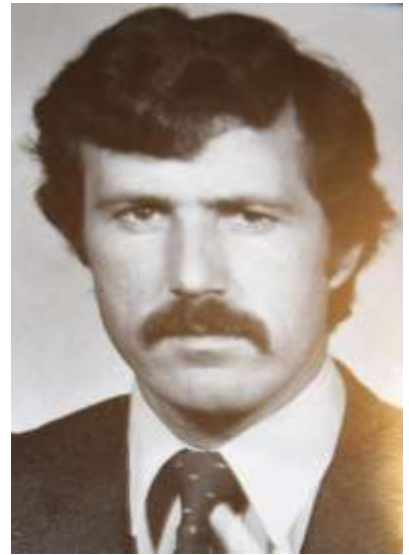


نوشته بهرام بیک (میرزاده)

کلگری- کانادا  
۲۱ جدی ۱۳۹۰



## هموطن کاری نداری کاری بکن تا که کاری تو شود درمان کار

دوستان و خوانندگان محترم سایت وزین سیمای شغنان اسلام علیکم و رحمت اله و برکاته!

صمیمانه ترین درود ها و احتراماتم را به شما دوستان تقدیم داشته و به عرض میرسانم که بعد از سه دهه کشمکش های سیاسی توأم با خصومتها، دشمنیها و عقده های عمیق سیاسی که حیات مردم ما را به چالش کشیده و تحت الشعاع قرار داده بود. مردم عذاب دیده ما نتوانستند از این وضع رقت بار نفس راحت بکشند و به آرامی زنده گی غریبانه خویش را به پیش برند.

برخی از روشنفکران ما بنا به عدم تجربه سیاسی و درک عمیق از جامعه به این وضع ادامه دادند و مجال آنرا ندادند که به همدگر فهمی یک لحظه هم فکر شود و بر عکس پلان های را خصمانه علیه یکدیگر طرح و عملی میساختند که نتیجه ان کشته شدن ده ها تن از فرزندان رشید این مرزبوم گردید. بالاخره فرزندان روشن ضمیر و اهل خبره این خطه باستان با درک واقعیت ها از وضع سیاسی امروزی و نتیجه گیری از عملکرد های یکدیگر توانستند یک گردهمایی سرنوشت ساز برای تمام مردم ولسوالی شغنان به راه اندازند و با تصامیم عاقلانه شان برای اولین بار دروازه فضای دوستی و برادری را بر روی مردم شغنان باز نمایند تا باشد رهنمودی برای روشنفکران و مردم دیگر ولسوالی ها و حتی برای ولایت بدخشان باشد.

من این اقدام نیک و سرنوشت ساز گردانندگان این گرد همایی را به فال نیک گرفته و برای شان خیر مقدم و میارکباد میگویم و با صداقت کامل در راه تحقق این هدف بزرگ انسانی خود را سهم دانسته و نقش خویش را اداه خواهیم نمود.

دوستان محترم !

من همه روزه نوشتار های دوستان که از طریق سایت وزین سیمای شغنان انعکاس داده میشوند مطالعه مینمایم. همه دوستان با ظرافت قلم طرح ها و پیشنهادات خود را ارایه مینمایند، هیچگونه نواقص در آنها دیده نمیشود بلکه پیشرفت و پشتیبانی عمیق خویش را انعکاس داده اند. بنظرم نباید تنها به اظهارات و نوشتاری اکتفا شود بلکه برای آماده شدن پلاتفورم اساسی باید یک کمیته اجراییه با صلاحیت ایجاد گردد و زمیته را برای نشست های بعدی غرض ایجاد تفاهم و اتحاد مهیا سازد. علاوه بران این ، کمیته از افکار ناسالم و کارشکنانه، بروز هر نوع خود سری ها بطور صادقانه و منصفانه جلوگیری نماید، همچنان در جهت تحقق اهداف این پروسه ، تبلیغات وسیعی رادر میان فامیل ها راه اندازی و در جهت تحکیم روابط احسنه در بین گروه های مختلف سیاسی و مردم ولسوالی شغنان با تدویر گردهمایی دوامدار چنانچه درین مورد محترم عبدالکریم (نوجو) نیز اشاره فرموده اند راه اندازی نمایند. در غیر آن نمیتوانیم این پروسه را به پیش ببریم.

ما بیاد داریم سالهای قبل هم از طرف بعضی از روشنفکران طرح ها و پیشنهادات در رابطه اتحاد، دوستی و برادری ارایه شده بود ولی با جدیت و قاطعیت تمام به پیش برده نشد و از جانب دیگر با مداخله بعضی از اشخاص مغرض جواب رد داده شد، بالاخره چه مصیبت های مردم شغنان درین سه دهه دیدند و رو به رو شدند که تلخی ان در کام فردفرد ولسوالی شغنان هنوز هم باقی است. اگر باز هم چنین اشتباهی تکرار شود و این مسله بطور جدی و با قاطعیت پیگیری نگردد و این پروژه به ناکامی مواجه شود به یقین یکبار دیگر برای مدت طولانی حال ما بدتر خواهدشد.

امروز این وضع آماده گردیده است تا باشد به این حالت رکود و رقتبار خاتمه داده شود و این وظیفه و رسالت بزرگ همه ما و مخصوصاً برادرانی خواهد بود که در بین مردم خود زندگی میکنند و زندگی شباروزی خود را یکجا با آن بیوه زنان و مردم بی بضاعت سپری مینمایند که گشنگی و تشنگی مردم خود را در ۲۴ ساعت مشاهده و احساس میکنند و خود شان هم در ردیف شان قرار داشته و شکنجه روحی را متقبل میشوند. لذا همه ما باید باعزم متین به این وضع خاتمه دهیم به برادران روشنفکر شغنان پیشنهاد مینمایم که باین پروسه سرعت ببخشند.

من برای رهروان این کاروان صلح و دوستی از خداوند توفیق مزید خواسته و موفقیت و پیشرفت های زیاد ارزو میبرم.

به ارتباط این موضوع قطعه شعریکه سروده ام تقدیم شما رهروان صدیق و دیرین مردم شغنان میکنم •

## صدای یکدلی

از نوایی آن نواها از نوایی یکدلی  
باز می آید ز دلها آن نوایی یکدلی  
زیستند دریک نواحی با صداقت یکدلی  
پیروی قرآن ایمان با صدایی یکدلی  
هیچ امیدی نداشتن در آن نوایی یکدلی  
بعد آن نشنیده شیپوری نوایی یکدلی  
کشمکش را دورمانده شدقدم با یکدلی  
این قدوم اولین در راه نیک و یکدلی  
با تعقل گام برداشتند براه یکدلی  
میرساند هر وطندار در فضای یکدلی  
حاصل محنت بدست آرد زباغی یکدلی  
گشت نا خوشنود دشمن از صدای یکدلی  
می نشینند در کمین کاروان یکدلی  
سیل آشتی میرود با موج های یکدلی  
میرسانند بار مقصود با دیاری یکدلی  
تا خدا خواهد شود هموار راه یکدلی

از دیار ما بر آمد آن صدایی یکدلی  
از ته ای آشفته دلها بهر آرامی قوم  
هیچ تفریق بین یکدگر نداشتند هر زمان  
گرچه این قوم یکدل یکدین یک ایمان بودند  
قوم شغنان زخمها دید از نفاق و از شقاق  
رنج و بدبختی کشیدند در زمان عمر شان  
سالها از همدگر فهمی و یکرنگی بدور  
من چه احساس خوشی دارم بدل در این زمان  
افتخار گویم به این روشن ضمیران وطن  
این امید کار ساز از بهر خلق ما بود  
گر امیدی هر وطندار باپاک طینت استوار  
دوستان خلق شغنان تا به کانادا خوشند  
دور از واقعیت نمیدانم که بعضی هاز کین  
هر خس و خاشاک نمیتواند صد راه شود  
من یقین دارم به اقدام چنین آزادگان  
میرزاده خود شریک دان در قیام دوستی